

موضوع:

صرفه در اعجاز قرآن

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین محمد حسین نجفی کانی

پژوهشگر:

مجتبی ایرجی^۱

^۱ پایه سوم، مدرسه عملیه آیت الله بهجت (ره)

چکیده

صرفه یکی از مباحث اختلافی در اعجاز قرآن بوده، اولین موضوعی است که در باب اعجاز قرآن به آن پرداخته شده است. در صرفه اقوال مختلفی بیان شده است که بعضی از آن‌ها ناظر به اعجاز ذاتی قرآن بوده و برخی دیگر به اعجاز عرضی (صرفه) اشاره دارند.

مبنای اغلب قرآن پژوهان متأخر اعجاز ذاتی قرآن می باشد اما برخی از متقدمین قائل به اعجاز عرضی شده اند.

کلیدواژه: صرفه، اعجاز ذاتی، فصیح، معارضه.

مقدمه

در مطالعه مباحث صرفه برخی سوالات ذهن را به تلاطم وا میدارد.

سوال اولیه ای که به ذهن میرسد این است که مبحثی در اعجاز قرآن در وهله ی اول قرار میگیرد؟

ثانیا در زمان ائمه(علیهم السلام) کیفیت بحث در مورد اعجاز قرآن به چه صورت بوده است؟

ثالثا بحث صرفه در اعجاز قرآن که به عنوان اولین مبحث در مورد اعجاز مطرح شده بود چه خواستگاهی داشت؟ و معانی و مناقشات در این موضوع چه بوده است؟

اگر مباحثی چون جبر، اختیار، تحدی در قرآن و ... را به نردبانی تشبیه کنیم صرفه در اعجاز قرآن جز اولین پلکان های آن واقع میشود.

اهمیت بحث صرفه به حدی است که حتی در مبحث کلی اعجاز قرآن نیز در جایگاه اول قرار دارد و مبدأ مباحث اعجاز در قرآن شناخته میشود.

در این مقاله تلاش شده است که اولاً معانی لغوی و اصطلاحی به طور دقیق بیان شود. ثانيا نظرات مشهور و نظراتی که مورد مناقشه بیشتر واقع گشته اند، ذکر و مورد بحث و بررسی قرار بگیرند. در قسمت انتهایی قاطبه ی کتب و مقالاتی که در مورد صرفه موجود است جمع آوری شده است که علاقه مندان به این موضوع میتوانند به این نصوص مراجعه نمایند.

فصل اول: کلیات و مفاهیم

معنای لغوی صرفه

صرف در لغت به معنای بازگشت شیء است (ابن فارس، مقایس الغه، ج ۳ ص ۳۴۲) و وقتی گفته میشود «انصراف البرد» یعنی سرما برگشت و هوا گرم شد (جوهری، اسماعیل بن حماد، ج ۴ ص ۱۳۸۵). البته در لسان العرب آمده است که: صرف به معنای باز گرداندن چیزی از جهت آن (ابن منظور، لسان العرب، بیروت، ج ۷ / ۳۲۸). در معجم مفردات الفاظ القرآن آمده است که: رد الشیء من حاله و ابداله بغیره (الراغب الاصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ۲۸۷).

به نظر میرسد بر اساس معناهای ذکر شده این کلمه متعدی باشد. در قرآن کریم آمده است: **انصِرِفُوا صَرَفاً اللّٰهُ قُلُوبَهُمْ** (التوبه/۱۲۷)

باز می گردند، خدا دل هایشان را [از حق] گردانیده است؛ (انصاریان، ترجمه قرآن، ج ۱ ص ۲۰۷)

معنای اصطلاحی صرفه

در کتاب التمهید فی العلوم القرآن از یحیی بن حمزه العلوی الزیدی سه تفسیر از مفهوم صرفه آمده است که مورد اتفاق علماء زیادی است و در کتب دیگر نیز ذکر شده است:

بدان که نظریه «اهل صرفه» ممکن است یکی از تفسیرهای سه گانه را بر تابد چرا که کلمات نظریه پردازان دارای اجمال است و در آن احتمالات بسیاری می رود:

تفسیر اوّل:

مقصود آنان از صرفه این باشد که خداوند «داعی» و انگیزه کسانی را که در صدد مقابله برآیند سلب می کند. یعنی آن انگیزه و داعیه ای که آنان را برای مقابله با قرآن واداشته، هنگام عمل فروکش می کند و حالت سردی و بی تفاوتی به آنان دست می دهد.

تفسیر دوم:

مقصود آنان از صرفه این باشد که: خداوند با قهر و قسر آنان را از این معارضه باز داشته است، با آنکه توانایی لازم را دارند، ولی در موقع مقابله حالت سستی و رخوت به آنان دست می دهد.

تفسیر سوّم:

مقصود آنان از صرفه این باشد که: خداوند علومی را که برای آفریدن کلامی چون قرآن مورد نیاز است از آنها سلب کرده است. سلب علوم را نیز می توان دو گونه تفسیر کرد: یکی آنکه؛ این علوم برای آنان وجود نداشت و تنها خداوند از آموختن آن دانش ها ایشان را بازداشت تا مبادا در معارضه موفق گردند.

در تفسیر اوّل به طور کامل از معارضه بازداشته شده اند و داعیه این کار هم وجود ندارد، در تفسیر دوم داعیه شدید معارضه وجود دارد ولی اراده آن ها مقهور اراده خداوند میشود، در تفسیر سوم داعیه و اراده وجود دارد ولی خداوند علم را از آنها سلب کرده است.

نتیجه کل این تفاسیری که ذکر شده است ارائه نگاهی در مقابل اعجاز ذاتی قرآن است. بنابراین نظریه «صرفه» در مقابل قائلین به اعجاز ذاتی قرآن است. قائلین به اعجاز ذاتی معتقدند که ویژگی هایی چون فصاحت و بلاغت بسیار والای قرآن، نظم

بدیع، اخبار به غیب، بلندی معنا و عمق مطالب قرآن و... باعث شده است که بشر مانند قرآن نتواند بیاورد. البته قائلین به این نظریه ویژگی های مختلفی را بیان کرده اند که سرانجام جلال الدین سیوطی به سی و پنج وجه در اعجاز قرآن اشاره کرده است. (السیوطی جلال الدین، معترک الاقران فی اعجاز القرآن، ج ۲، ص ۲۴۱)

نکته:

در مورد خواستگاه نظریه صرفه دیدگاه های مختلفی بیان شده است؛ محمد ابو زهره قرآن پژوه معاصر مصری در باره منشأ پیدایش این قول به ویژگی اندیشه برهماییان نسبت به کتاب «الفیدا» اشاره کرده است و مسلمانان را متأثر از آن نظریه دانسته است. وی می نویسد:

از بین علمای مسلمان برخی از فیلسوف نمایان به گفته های «برهماییان» در کتاب «الفیدا» دست یافتند، این کتاب دارای مجموعه اشعاری است که به گمان آنان در گفتار مردم نظیر آن یافت نمی شود و علمای بزرگ آنان می گویند بشر از آوردن مانند آن عاجز است چرا که «برهما» از این هم آوردی مانع شده و مردم را از این کار باز می دارد. (ابو زهره، محمد، المعجزه الكبرى القرآن، بیروت، ۷۶)

نظریه های مختلفی وجود دارد که هر کدام از این نظریه ها باعث گرایش افراد مختلف و حتی دوری و مخالفت بعضی از افراد از این نظریه شده است. مثلاً مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء با توجه به دوری و مخالفتش با این نظریه خاستگاه آن را اینطور بیان میکند:

قول صرفه نیست مگر کلامی دروغ و گفتاری عازب، کلام کسی است که خداوند به او بهره ای از شناخت بلاغت نداده است و بر حقایق والا و معانی بلند بلاغی اشرافی جز بر الفاظ و نقل قولها نیافته است. پس در تنگی عجز و جهالت بسوی این نظریه پناه آورده و در امثال این گمراهی ها فرو رفته است.

(الفکیکی، توفیق، اعجاز القرآن فی مذهب الشیعۃ الامامیۃ، چاپ شده در رساله الاسلام، مجمع التقریب بین المذاهب الاسلامیۃ، مصر سال سوم، شماره ۳ ص ۲۹۸، نقل کرده از کاشف الغطاء، کتاب الدین و الاسلام.)

اما یک سوال مطرح میشود آیا این بحث در زمان نزول وحی مطرح شده است یا نه؟ جواب این است که اصلا در آن دوره بحث در مورد اعجاز قرآن بسیار کم بوده است و مباحث جامعی در این مورد صورت نگرفته است.

در منابع معتزله و عشائره اشخاص مختلفی به عنوان مبدء بحث اعجاز قرآن ذکر شده اند (العمری د احمد جمال، مفهوم الاعجاز القرآنی حتی القرن السادس الهجری ۴۷، ۴۶، ۴۵. و معرفت محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۵۰) اما وجه مشترک بین همه این ها این است که شروع بحث در مورد اعجاز قرآن از زمان بیان نظریه صرفه بوده است.

فصل دوم: نظریه ها

دیدگاه علماء در مورد صرفه

- الف: حامیان نظریه صرفه مانند: نظام، سید مرتضی، ابی الصلاح حلبی، ابن حزم اندلسی، ابن سنان خفاجی، رمانی، علامه مجلسی
- ب: مخالفان نظریه صرفه مانند: محمد بن یزید الواسطی، الخطابی الباقلانی، قاضی عبد الجبار، عبد القاهر جرجانی، علامه طباطبایی، شیخ طوسی، سکاکی
- ج: حامیان جمع بین دو نظریه صرفه و اعجاز ذاتی قرآن مانند: ابو عثمان جاحظ، محمد بن بحر اصفهانی
- د: کسانی که هر دو را احتمال داده اند ولی اختیاری ننموده اند مانند، خواجه طوسی
- البته در این میان گروه سوم نظریتشان را به صورت مخالف یا به مجمل بیان کرده اند.

نظر برخی موافقین صرفه

سید مرتضی اینطور بیان کرده است که خداوند به طور کامل هر صورتی را که انسان میتواند با قرآن معارضه کند از او گرفته است. این را از طریق برهان خلف اینطور اثبات میکنند که اعجاز یا ذاتی است یا عرضی (صرفه) است. حال اگر اثبات کند که اعجاز ذاتی نیست پس اثبات عرضی کرده است.

وی اینطور بیان کرده است که بین کلام فصیح و عادی فرق مشخصی است مثلاً کسی که شعرهای «امرء القیس» را میخواند فرق بین این شعر و یک شاعر جوان و تازه کار را میفهمد ولی بین کلام اعجاز و فصیح باید فاصله زیادی باشد که این فاصله برای ما قابل درک نیست.

بر اساس این مطلب و با توجه به این که فاصله بین فصاحت سوره های مفصل و قصائد فصیح عرب بر ما روشن نیست به آن روشنی و وضوحی که نیاز به تأمل و تخصص نداشته باشد و اگر فرقی باشد تنها متخصصین آنرا در می یابند و ما بدان راه نداریم، این نکته دلالت می کند که مردم از معارضه آن باز داشته شده اند [نظریه صرفه].

به طور خلاصه دلیل سید مرتضی به این صورت میباشد:

فاصله بین کلام عادی و فصیح از جهت فصاحت خیلی کمتر از فاصله بین کلام فصیح و معجزه می باشد و قیاس استثنایی وی اینگونه است:

اگر قرآن معجزه باشد باید به آسانی حتی آسانتر از آنچه در تفاوت کلام فصیح و عادی است به درک فاصله قرآن و کلمات فصیح موفق شویم. اما ما که قدرت تمیز بین قرآن بعضی از سوره ها و کلام فصیح عرب را به آسانی نداریم. پس قرآن معجزه نیست. (شریف مرتضی، الموضح عن جهة إعجاز القرآن، ص ۳۳-۹۱)

تعبیر دیگری که از مجموع کلام نظام و سید مرتضی و نقد این دلیل در « سید محمد حسن جواهری/ زمستان ۱۳۹۱/ مقاله علمی - پژوهشی، مجله قبسات، سال هفدهم، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۶۶» بیان شده است به شرح ذیل است:

الف) ما زمانی که بین اشعار یک شاعر فصیح و با تجربه و یک شاعر مبتدی مقایسه می‌کنیم، تفاوت آشکاری بین آنها احساس می‌کنیم و برای درک این تفاوت، همان دانش اندک و معمولی ما کافی است و نیاز به حضور و راهنمایی متخصص نیست؛ این در حالی است که کلام شاعر فصیح در حد خارق العاده نیست، بلکه بر گفته‌های معمولی برتری دارد؛ مانند مقایسه اشعار حافظ و برخی غزل‌سرایان متأخر و یا مقایسه اشعار سعدی و برخی شاعران تازه‌کار دوران ما. با توجه به این توضیح، هنگامی که ما آیات سوره‌های مفصل یا حتی برخی سوره‌های کوتاه قرآن را با فصیح‌ترین سخنان ادیبان و فصیحان عرب مقایسه می‌کنیم، گاه تفاوت آنها به اندازه تفاوت یک شاعر قوی و ضعیف نیست، چه رسد به تفاوت یک کلام خارق العاده و یک کلام معمولی یا حتی فوق معمول! این، نشان می‌دهد که باید راز اعجاز را در جایی دیگر جست‌وجو کرد و نه متن قرآن (ر.ک: شریف مرتضی، الموضح عن جهه إعجاز القرآن، ص ۳۶-۳۸)

گذشته از این، در تاریخ جمع قرآن گزارش شده است که بین اصحاب در مورد دو سوره فلق و ناس اختلاف شده و برخی مانند ابن مسعود، قاری ممتاز، این دو سوره را در مصحفی که تنظیم کرده بود، نیاورد و باور او بر این بود که این دو سوره جزو قرآن نیست (معرفت محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ص ۱۷۱) و اگر اعجاز قرآن به فصاحت و نظم آن بود، نباید در باره این دو سوره اختلاف پیش می‌آمد.

ب) تحدی قرآن به فصاحت و نظم می‌باشد (ر.ک: سید مرتضی، همان، ص ۳۹ و ۱۴۱۱، ص ۳۸۰-۳۸۱) و از آنجا که گفته‌های فصیح عرب در نظم با قرآن هماهنگ نیست (نظم فصیح و ادبی آنها بیشتر نثر مسجع یا شعر بوده است)، ما نمی‌توانیم

مشابهی مانند قرآن بیابیم؛ نه از باب اینکه در سطح قرآن نیست_ زیرا ممکن است در فصاحت مانند قرآن باشد_ بلکه از این باب که در چهارچوب مصداق شایسته برای معارضه قرار نمی‌گیرد؛ یعنی آنچه عرب فصیح پیش از تحدی آورده، چون با نظم قرآن که با نظم‌های شناخته‌شده کاملاً متفاوت است، همخوان نیست، نمی‌توان آن را مصداق معارض دانست، هرچند از نظر فصاحت برابری کند (همان). همان‌گونه که نمی‌توان با شعر به معارضه یک خطابه رفت. بنابراین باید بگوییم عرب این پتانسیل را دارد که مانند قرآن را بیاورد، ولی به دلیل صرفه نمی‌تواند بیاورد.

نقد و تحلیل این دلیل:

دلیل یادشده که خود مشتمل بر جهات متعددی است، از زوایای گوناگونی قابل بررسی و نقد است.

۱) این ادعای کلی که در متون عرب اعم از نثر و نظم چیزی یافت می‌شود که با فصاحت قرآن برابری می‌کند، بدون ارائه هیچ‌گونه مصداقی رها شده است. ای کاش مدعیان برای اثبات گفته خود، دست‌کم یک مورد مثال می‌آوردند تا دیگران بتوانند با چشمان باز و متکی به فهم و درک خود قضاوت کنند؛ زیرا قضاوت در این باره با دقت در متونی که از گذشته عرب به دست ما رسیده، به هیچ‌وجه با ادعای آنان همسو نیست (سبحانی تبریزی، مفاهیم القرآن ج ۳، ص ۳۴۴/ معرفت محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۳، ۱۷۳). شیخ طوسی، نویسنده تفسیر معروف تبیان، نیز که در شرح کتاب جمل سید مرتضی، با ملاحظه نظریه وی، جانب صرفه را می‌گیرد، با توجه به همین نکته با واژه «يقولون» وجود مانند قرآن را به خود آنها نسبت می‌دهد* (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۶۶؛ سبحانی تبریزی، مفاهیم القرآن، ج ۳، ص ۳۴۲). وی در تمهید الاصول فی علم الکلام که شرح جمل العلم و العمل سید

مرتضی است، یادآور می‌شود که طرفداران صرفه معتقدند قرآن بر دیگر متون برتری دارد؛ لیکن میزان برتری آن را در حد اعجاز نمی‌دانند (طوسی، «تمهید الاصول فی علم الکلام»، نسخه المكتبة الشاملة، ص ۳۳۷-۳۳۸/ سبحانی تبریزی، مفاهیم القرآن، ج ۳، ص ۳۴۲). جالب اینکه باقلانی در کتاب اعجاز القرآن با نادیده گرفتن تفاوت در نظم و باور به عدم مانع بودن آن از قیاس، تلاش کرده برخی از بهترین آثار بر جای مانده از شعرای جاهلی و مخضرمی* و بهترین خطبه‌های خطبای معروف را در مقایسه با قرآن و برای روشن شدن تفاوت و برتری آن، گزارش کند و حاصل کار آنچنان آشکار بوده که نیازی به توجیه مخاطب و روشن کردن تفاوت و برتری قرآن ندیده است. در این خصوص، افزون‌براین که آنها شاهدی ارائه نکرده‌اند، شاهد علی‌ه ادعای آنان نیز وجود دارد و آن، اعتراف زبان‌شناسان معروف عرب در مورد بی‌همتایی قرآن در مقایسه با سایر متون عرب است. شاهدانی مانند ولید بن مغیره مخزومی که سخن پیامبر را مشابه کلام انس و جن ندانسته است و نیز نضر بن حارث، عتبه بن ربیع، انیس بن جناده و برخی دیگر که بر برتری اعجاب‌آور قرآن شهادت داده‌اند و شهادت آنها در تاریخ ثبت شده است، یا شاهدانی بسان لیید شاعر که به لذت و حلاوت قرآن، شعر سرودن را رها کرد و بسیاری دیگر که جمع‌آوری نظریات و سخنان آنان خود کتابی مستقل می‌طلبید (ر.ک: معرفت محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۱۷۷-۱۸۷)

۲) ادعای اینکه عرب پتانسیل معارضة داشت و اگر خدا مانع نمی‌شد (صرفه)، آنها موفق به معارضة می‌شدند، زمانی قابل طرح است که در نوشته‌های عرب پیش از تحدی قرآن، متنی فصیح و بلیغ هم‌سنگ قرآن یافت شود که خاستگاه بروز چنین پنداری باشد، وگرنه ادعایی کاملاً بی‌دلیل خواهد بود و در نتیجه، رخ‌ندادن آن را لزوماً نمی‌توان به پای صرفه گذاشت و احتمال صحت و دخالت نظریه اعجاز درونی قرآن کاملاً منطقی و مسموع است.

۳) اینکه گفته شود تفاوت متنی معجز با متنی فصیح و غیرمعجز باید بیش از تفاوت متنی فصیح و متنی معمول یا ردیء باشد، حکمی ذوقی و بدون دلیل است؛ برای مثال، اگر فصیح‌ترین متن بشری امتیاز ۱۰۰ داشته باشد و نوشته یک مبتدی ۳۰، امتیاز متن برتر بیش از سه برابر متن مبتدی است. حال اگر کسی متنی ارائه کند و امتیاز خارق العاده ۱۵۰ را بگیرد، هرچند فاصله آن تا ۱۰۰ کمتر از فاصله متن عالی تا مبتدی است (۷۰)، لیکن شرایط الحاق به متن خارق العاده را دارد. مثال دیگر: اگر رکورد پرش با نیزه مثلاً ده متر باشد و یک فرد معمولی سه متر پرش کند، حال اگر پرش کسی به پانزده متر برسد، کار خارق العاده‌ای انجام داده، هرچند تفاوت کار او با بهترین پرش از تفاوت بهترین پرش با پرش متوسط، کمتر باشد. بنابراین تفاوتی که متخصصان آن را از حد توان معمول خارج بدانند، می‌تواند ملاک احتساب رتبه اعجاز برای متنی با تفاوت نه‌چندان زیاد با متنی فصیح و بشری باشد. البته همه این مسائل زمانی مطرح می‌شود که متنی با تفاوت اندک یافت شود که البته تاکنون یافت نشده و از سوی طرفداران صرفه نیز ارائه نشده است.

۴) اما در مورد معوذتین و اقدام ابن مسعود بر فرض واقعی بودن و پذیرش این نسبت - مفسران پاسخی شایسته داده‌اند. علامه طباطبایی در تفسیر خود با طرح این شبهه چنین پاسخ داده است: «آنها که گفته‌اند این دو سوره جزو قرآن نیست، نگفته‌اند که ساخته خود رسول خدا ﷺ است و از ناحیه خدای تعالی نازل نشده و نیز نگفته‌اند که مشتمل بر اعجاز در بلاغت نیست، بلکه تنها گفته‌اند جزو قرآن نیست که آن نیز قابل اعتنا نیست؛ زیرا تواتر علیه آن قائم است» (طباطبائی، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۹۴)

مؤید گفتار علامه، روایتی است که آن را سیوطی نقل کرده است: احمد، بزار، طبرانی و ابن مردویه از طرق صحیح از ابن عباس و ابن مسعود روایت کرده‌اند که ابن مسعود دو سوره «قل اعوذ» را از قرآن‌ها پاک می‌کرد و می‌تراشید و می‌گفت: قرآن را به

چیزی که جز و قرآن نیست، مخلوط نکنید، این دو سوره جزو قرآن نیست، بلکه تنها به این منظور نازل شد که رسول خدا ﷺ خود را به آن دو حرز کند و ابن مسعود هیچ وقت این دو سوره را به عنوان قرآن نمی خواند (سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۶، ص ۴۱۶)

سیوطی بعد از نقل این حدیث می گوید: بزار گفته است احدی از صحابه ابن مسعود را در این سخن پیروی نکرده است و چگونه می توانستند پیروی کنند، با اینکه به طرق صحیح از رسول خدا ﷺ نقل شده که آن حضرت در نماز این دو سوره را می خواند و علاوه بر این در قرآن کریم ثبت شده است (همان)

در تفسیر قمی نیز به سند خود از ابوبکر حضرمی روایت کرده که گفت: خدمت ابی جعفر عرضه داشتم: ابن مسعود چرا دو سوره «قل اعوذ» را از قرآن پاک می کرد؟ فرمود: پدرم در این باره می فرمود: این کار را به رأی خود می کرده و گرنه آن دو از قرآن است (قم علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۵۰)

به نظر می رسد شأن نزول این دو سوره - البته بنا بر صحیح دانستن آنها - موجب اشتباه ابن مسعود در خارج کردن این دو سوره از قرآن شده است؛ وی گمان کرده این دو سوره تنها برای برطرف کردن سحر از پیامبر ﷺ نازل شده است، نه اینکه نزول آن برای این باشد که جزئی از قرآن قرار گیرد و افزون بر آن، از چنین خاصیتی نیز برخوردار باشد؛ مانند سوره حمد که ضمن جزو قرآن بودن آن، خاصیت شفادهی را نیز دارد.

۵) سید مرتضی و دیگر طرف داران صرفه بر این باورند که تحدی قرآن به فصاحت و نظم است؛ زیرا تحدی در قرآن مطلق گذاشته شده و باید به عادت قوم در تحدی یکدیگر بازگردد که آن بر پایه فصاحت و نظم است؛ از این رو معارضه شعر به شعر است، نه به نظم و برعکس، معارضه نثری فاخر به نثری فاخر است، نه به نظم.

با توجه به این مطلب و ماهیت صرفه، شایسته این بود که تحدی به صرفه باشد، نه چیز دیگر (فصاحت و نظم). به بیان دیگر، صرفه دانستن وجه اعجاز با تعیین فصاحت و نظم به عنوان دامنه تحدی، همخوانی ندارد و به جای آن باید با خود صرفه تحدی می شد؛ برای مثال از مردم خواسته می شد اگر می توانند کاری کنند که دیگران کاری را که به طور معمول می توانند انجام دهند، نتوانند انجام دهند، نه اینکه در تحدی به سراغ چیزی روند که از سنخ آن نیست!

اما ابن حزم ظاهری این طور بحث کرده است که قسمتی از آیات قرآن کریم نقل قول دیگران است و بعضی دیگر از ردیف کردن نام انبیا تشکیل شده است، اگر این آیات که نقل قول دیگران است اعجاز باشد دلیلی جز صرفه ندارد چرا که قبلاً همین آیات را دیگران بیان کرده بودند در موارد نقل قول پس خداوند آن ها را کلام خود قرار داده و دیگران را از آوردن مثل آن منع نموده است. (معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ۴ / ۱۴۸) اما ایشان مورد تمسخر برخی برای این نظریه خود قرار گرفت.

* علت اینکه فقط نقد نظریه نظام و سید مرتضی بیان شد این است که نظریه ایشان قدیمی و با استدلال اساسی است البته دلایل دیگر برای صرفه بیان شده است که مجال بحث در علل در این مقاله نیست برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: «سید محمد حسن جواهری/ زمستان ۱۳۹۱/ مقاله علمی - پژوهشی، مجله قیاسات، سال هفدهم، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۶۶»

رمانی معتزلی هم در «الکنت فی إعجاز القرآن» موارد زیر را به عنوان وجوه اعجاز قرآن کریم برمی شمرد:

۱. ترک المعارضه مع توفّر الدواعی و شدّه الحاجه ۲. و التحدی للکافّه ۳. و الصرفه ۴. البلاغه ۵. الأخبار الصادقه عن الأمور المستقبله ۶. نقض العاده ۷. و قیاسه بکلّ معجزه.»

عدم هموردی، با وجود زیادی انگیزه در معارضه با قرآن، مبارزه طلبی از همه خلایق، صرفه، بلاغت، اخبار درست از آینده، خلاف عادت بودن، مقایسه و مطابقت دادن آن با همه معجزات.

از دیگر عالمان و محدثان برجسته شیعی، مرحوم محمد باقر مجلسی می باشد که در «بحار الأنوار» از اعجاز قرآن کریم هم غافل نگشته است. ایشان در ضمن ذکر اقوالی در مورد «وجوه اعجاز قرآن» می افزاید:

«و ذهب السيد المرتضى منا و جماعة من العامة منهم النظام إلى الصرفة على معنى أن العرب كانت قادرة على كلام مثل القرآن قبل البعثة لكن الله صرفهم عن معارضة و اختلفوا في كيفية فقال النظام و أتباعه صرفهم الله تعالى عنها مع قدرتهم عليها و ذلك بصرف دعاويهم إليها مع توفر الأسباب الداعية في حقهم ... و قال السيد رحمه الله فيما نسب إليه كان عندهم العلم بنظم القرآن و العلم بأنه كيف يؤلف كلام يساويه أو يدانيه و المعتاد أن من كان عنده هذان العلمان يتمكن من الإتيان بالمثل إلا أنهم كلما حاولوا ذلك أزال الله تعالى عن قلوبهم تلك العلوم و الحق هو الأول.»

چنانکه می بینیم مرحوم مجلسی به قضیه «صرفه» نیز اشاره می کند و پس از تعریف آن از نظر «نظام» و سپس سید مرتضی، قول نظام را تایید و تصدیق کرده که گفته است: «خداوند با وجود اینکه اعراب قدرت هموردی با قرآن را داشتند، انگیزه های آنان را از این معارضه باز داشت .

از این گفتار مشخص می شود که مرحوم مجلسی نیز علاوه بر وجوه فصاحت و بلاغت و اخبار غیبی و سایر علوم و معارف الهی، به وجه «صرفه» نیز معتقد می باشد.

نظریه برخی از مخالفین صرفه

علامه سید محمد حسین طباطبایی

مرحوم علامه نیز وجه «صرفه» را مطرح می کند و البته به دلایلی منکر آن می شود؛ از جمله اینکه ایشان با استفاده از آیه شریفه (... وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ إِخْتِلَافًا كَثِيرًا) می گوید:

«فإنه ظاهر في أن الذي يعجز الناس عن الإتيان بمثل القرآن إنما هو كونه في نفسه على صفة عدم الإختلاف لفظاً و معنى و لا يسع لمخلوق أن يأتي بكلام غير مشتمل على الإختلاف، لا لأن الله صرفهم عن مناقضته بإظهار الإختلاف الذي فيه هذا، فما ذكروه من أن إعجاز القرآن بالصرف كلام لا ينبغي الركون إليه.» (طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، جلد ۱، ص ۷۰)

ظاهر آیه بیانگر این است که مردم نمی توانند مثل قرآن را بیاورند، به خاطر اینکه در آن هیچ گونه اختلاف لفظی و معنوی وجود ندارد، در حالی که در کلام دیگر انسانها تناقض و اختلاف وجود دارد؛ این مطلب به خود قرآن باز می گردد، نه اینکه خداوند آنها را از معارضه با آن باز داشته است، پس اینکه بعضی گفته اند وجه اعجاز قرآن کریم صرفه است، قابل قبول نیست.

قرطبی

همچنین محمد بن احمد قرطبی از اهل سنت، قول «نظام» مبنی بر «صرفه» را مطرح کرده و در رد آن می گوید:

«نفس القرآن هو المعجز و فصاحته و بلاغته أمر خارق للعادة، إذ لم يوجد قطُّ كلامٍ على هذا الوجه، فلما لم يكن ذلك الكلام مألوفاً معتاداً منهم، دلَّ على أن الصرفه لم يكن معجزاً.» (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۷۵)

خود قرآن با آن فصاحت و بلاغتش معجزه و خارق العاده است، به نحوی که هیچ کلامی هرگز در مرتبه آن یافت نمی شود؛ پس چون چنین سخن و کلامی در میان

آنان رایج و معهود نبوده است، خود بیانگر این می باشد که «صرفه» وجه اعجاز قرآن نیست .

شیخ طوسی

شیخ طوسی اعجاز قرآن را مربوط به فصاحت اعلی، البته به همراه نظم مخصوص آن می داند؛ قول شیخ طوسی در این مورد چنین است:

«و أقوى الأقوال عندی قوله من قال إنما كان معجزاً خارقاً للعاده لإختصاصه بالفصاحه المفترطه فی هذا النظم المخصوص دون الفصاحه باینفرادها و دون النظم باینفراده و دون الصرفه .» (معرفت محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۶۲)

قویترین قول نزد من گفته کسی است که می گوید قرآن معجزه خارق العاده ای است که دارای فصاحتی اعلی در این نظم ویژه می باشد نه اینکه اعجاز آن تنها به فصاحت آن و یا تنها به نظم آن و یا به خاطر «صرفه» باشد.

قاضی عبدالجبار

از جمله کسانی که در مقابل نظریه صرفه ایستادند، قاضی عبدالجبار معتزلی

است. وی میگوید:

«...» (ثم بین تعالی عظم شأن القرآن بقوله «قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً» فنبه بذلك على أن له من الرتبة في الفصاحة ما لا يدركه العباد انفراداً أو اجتماعاً، و لو كانوا يقدرون عليه، و انما صرفوا عنه، لم يكن لهذا القول معنى.) (مجل قاضی عبدالجبار بن احمد، تنزیه القرآن عن المطاعن، ص ۲۳۳)

خداوند با این آیه اعلام می کند که قرآن در مرتبه ای از فصاحت است که هیچ کس، تنها یا باهم، نمی تواند به آن حد دست یابد، و اگر توان معارضه را داشتند و از معارضه منع شدند، این سخن خدا معنی نداشت.

سکاکی

«ثم قال بشأن الإعجاز: و اعلم أنّ شأن الإعجاز عجيب، يدرك و لا يمكن وصفه، كاستقامة الوزن تدرك و لا يمكن وصفها، و كالملاحه. و مدرك الإعجاز- عندى- هو الذوق ليس إله، و طريق اكتساب الذوق طول خدمه هذين العلمين (المعاني و البيان). ثم أخذ فى تحديد البلاغه و إمامه اللثام عن وجوها المحتجبه، و كذا الفصاحه بقسميها اللفظي و المعنوي، و ضرب لذلك مثلاً بآيه و قيل يا أرض ابلعي ماءك و بيان جهاتها الأربع من جهتي المعاني و البيان، و هما مرجعا البلاغه، و من جهتي الفصاحه المعنويه و اللفظيه و أسهب فى الكلام عن ذلك، و قال- أخيراً:- و لله درّ التنزيل، لا يتأمل العالم آيه من آياته، إلّا أدرك لطائف لا تسع الحصر.» (سكاكى، يوسف بن ابى بكر، مفتاح العلوم، ص ۱۹۶- ۱۹۹، معرفت محمد هادى، التمهيد فى علوم القرآن، ج ۴، ص ۴۶، ۴۵)

همانطور كه ملاحظه ميكنيد سكاكى هم بحث را كاملاً در اعجاز ذاتى قرآن برده است و بيان کرده است كه شأن اعجاز قرآن عجيب است و قابل وصف نيست مثل استقامت وزن كه درك ميشود و امكان وصف آن وجود ندارد. على اى حال به نظر ميرسد ايشان با بيان اين قصد اين را دارند كه فهمش ممكن است ولى قابل وصف است كه موجب قبول اعجاز ذاتى ميشود.

نتيجه

نظر اكثر قداماء بر اين است كه اعجاز قرآن يك اعجاز ذاتى نيست بلكه اعجاز عرضي (صرفه) است. ولى در مقابل اكثر متاخرين بر اين باور اند كه اعجاز قرآن اعجاز ذاتى است. به هر حال طبق مطالب فوق و با بررسى ادله مختلف قائلين به صرفه و قائلين به اعجاز ذاتى به نظر ميرسد ادله و قول قائلين به اعجاز ذاتى صواب است. اين قرآنى است كه از جانب خداوند متعال و منبع زيبايى ها نازل شده است و اين كلام در اوج بلاغت و زيبايى و بدون هيچ كمبود و كاستى است. بنابراین به نظر ميرسد اصلاً صرفه مورد نياز نباشد.

برخی مقالات نوشته شده در زمینه صرفه

کتابها:

(۱) الموضح عن جهة إعجاز القرآن

مؤلف: الشریف المرتضی ابوالقاسم علی بن الحسین بن موسی الموسوی البغدادی)

تحقیق: محمد رضا انصاری قمی ناشر: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس

رضوی سال نشر: ۱۴۲۴ هجری

(۲) کتاب الصرفه، مؤلف: عبد الله بن محمد بن سعید بن سنان الخفاجی الحلبي

(۱۰۷۳-۱۰۳۲ م) ناشر: این کتاب مفقود است.

(۳) القول بالصرفه فی إعجاز القرآن، مؤلف: عبد الرحمن الشهری، ناشر: دار ابن

الجوزی، سال نشر: ۱۴۳۲ هـ

(۴) الصرفه والانباء بالغیب، مؤلف: حسین نصار، ناشر: مکتبه مصر - القاہرہ، سال نشر:

۲۰۰۰ م

(۵) تنویر القول بالصرفه ، دراسه فی إعجاز القرآن الکریم، مؤلف: محمود توفیق محمد

سعد (الأستاذ ورئيس قسم البلاغة والنقد في جامعة الأزهر الشريف، شيبين

الکوم)، ناشر: نشره المؤلف علی نفقته فی مکتبه وهبه، عابدين - القاہرہ، سال

نشر: ۱۴۲۷ هـ

(۶) بحث الصرفه ونشأتها بين مؤيد ومعارض، مؤلف: محمد فقهاء، ناشر: مکتبه

الألوکة، سال نشر: ۱۴۳۶ هـ

۲- پایان نامه

(۱) نظریه الصرفه فی اعجاز القرآن (تحلیل و نظر)، نویسنده: علی الأسدی، استاد

راهنما: معین دقیق، استاد مشاور: علی حسن مطر، دانشگاه جامعہ المصطفی العالمیه -

دانشکده الهیات و معارف اسلامی . ۱۳۸۶ . کارشناسی ارشد

٣- مقالات

مقالات عربى

١) علماء المسلمين و القول بـ«الصرفه»، نويسنده: جعفرى، يعقوب، مجله: مجموعه

مقالات كنگره شيخ مفيد شماره ١١٤ (٣٢ صفحه - از ١ تا ٣٢)

٢) قصه الصرفه: نشأتها، مدى تطور مدلولها، موقف العلماء منها، نويسنده: محمد

أبوموسى، محمد، مجله: الازهر، السنه السادسة و الخمسون، صفر ١٤٠٤ - الجزء ٢

(٦ صفحه - از ١٨٦ تا ١٩١)

٣) مذهب الصرفه بين القائلين به و المنكرين له، نويسنده: العمارى، على محمد، مجله:

رسالة الاسلام، السنه الرابعه، ربيع الثانى ١٣٧١ - العدد ١ (١٤ صفحه - از ٥٩ تا ٧٢)

٤) نظريه الصرفه فى ميزان الدراسة و النقد، نويسنده: باغبانى، رضوان؛ پروينى، خليل؛

خليفه شوشترى، محمد ابراهيم؛ متقى زاده، عيسى، مجله: اللغة العربيه و آدابها، ربيع

١٤٣٥، السنه العاشرة - العدد ١ [علمى-پژوهشى] (٢٠ صفحه - از ٢١ تا ٤٠)

٥) فى إعجاز القرآن: مذهب الصرفه، نويسنده: العمارى، على محمد حسن، مجله:

الازهر، المجلد الحادى و العشرون، محرم ١٣٦٩ - العدد ١ (٤ صفحه - از ٤١ تا

(٤٤

٦) فى إعجاز القرآن: مذهب الصرفه، نويسنده: العمارى، على محمد حسن، مجله:

الازهر، المجلد الحادى و العشرون، جمادى الأولى ١٣٦٩ - العدد ٥ (٥ صفحه - از

٤٧٤ تا ٤٧٨)

٧) فى إعجاز القرآن: مذهب الصرفه، نويسنده: العمارى، محمد حسن، مجله: الازهر،

المجلد الحادى و العشرون، رجب ١٣٦٩ - العدد ٧ (٥ صفحه - از ٦٥٦ تا ٦٦٠)

٨) في إعجاز القرآن: ابن سنان و مذهب الصرفه، نويسنده: العماري، علي محمد حسن؛
مجلة: الازهر، المجلد الثاني و العشرون، محرم ١٣٧٠ - العدد ١ (٦ صفحه - از
٣٤٥ تا ٣٥٠)

٩) مذهب الصرفه ابن حزم، نويسنده: العماري، علي محمد حسن؛ ، مجلة: الازهر ،
المجلد الثاني و العشرون، محرم ١٣٧٠ - العدد ١ (٤ صفحه - از ٨٥٨ تا ٨٦١)
١٠) الصرفه، نويسنده: الخالدي، محسن سميح، مجلة: الجامعة الإسلامية (سلسلة
الدراسات الشرعية) المجلد الثاني عشر - العدد الثاني، ص ٣٠٥ - ص ٣٤٢،
يونيو، ٢٠٠٤، (ص ٣٠٨)

١١) الإعجاز بالصرفه وأوجه فساده في ضوء القرآن الكريم، نويسنده: دكتور/
صديق أحمد مالك (الأستاذ المشارك بكلية الدعوة وأصول الدين)، مجلة: جامعة
أم القرى - مكة المكرمة

١٢) نظرية الصرفه أصولها وأبعادها، نويسنده: أ. جمال الدين عبد العزيز شريف، مجلة:
مجلة تفكر مجلد ٣، عدد ٢، ٢٠٠١م - ١٤٢٢هـ

١٣) الصرفه، دلالتها لدى القائلين بها وردود المعارضين لها، نويسنده: د. سامي عطا
حسن، جامعة آل البيت، مجلة: مجلة الشريعة والدراسات الإسلامية - الكويت - سنة
النشر ٢٠٠٢ المجلد ١٧ - العدد ٥١

١٤) القول بالصرفه في إعجاز القرآن، عرض و نقد، نويسنده: عبدالرحمن بن معاضه
الشهري، مجلة: مجلة الدراسات القرآنية (مجلة علمية دورية محكمة)، العدد الرابع
جمادى الأولى ١٤٣٠هـ

١٥) المتهمون بالصرفه (دراسة تحليلية نقدية)، نويسنده: محسن الخالدي، مجلة: مجلة
جامعة النجاح للأبحاث - العلوم الإنسانية - المجلد ٢٤، الإصدار ٥، ٢٠١٠

١٦) دراسة مقارنة لمسلكى النظام والجاحظ في مسألة الصرفة، نويسنده: رضوان
الأطرش، مجلة: مجلة جامعة الخليل للبحوث، المجلد ٥، العدد ١، ٢٠١٠

۱۷) الصرفه-عرض ونقد وتحليل، نویسنده: ایمن ریان، ناشر: شبکه جامعه المدینه العالمیه

۱۸) حقیقه القول بالصرفه فی الإعجاز القرآنی ورأی السيد المرتضی، نویسنده: محمد هادی معرفه، ناشر: شبکه الإمامین الحسینین؟ عهما؟ للتراث و الفكر الإسلامی

۱۹) تاریخ القول بالصرفه عند الشیعہ، نویسنده: عمّار الفهداوی، ناشر: وبلاگ «مقالات ومذکرات عمّار الفهداوی»

۲۰) الصرفه والإعجاز القرآنی ما لها وما علیها، نویسنده: عمّار توفیق بدوی، ناشر: الموقع الرسمي للشيخ عمّار بدوی

۲۱) نظریه الصرفه ملامحها و أبعادها و أثرها فی الفكر الاسلامی، نویسنده: السيد جعفر السيد باقر الحسینی، ناشر: دانشکده اصول الدین قم

مقالات فارسی

۱) بازخوانی نظریه صرفه، نویسنده: جواهری، محمد حسن، مجله: قبسات، زمستان ۱۳۹۱ - شماره ۶۶ [علمی-پژوهشی] (۳۴ صفحه از ۱۴۷ تا ۱۸۰)

۲) تحدی و صرفه، نویسنده: میر محمدی، سید ابوالفضل؛، مجله: مقالات و بررسیها، زمستان ۱۳۷۰ و بهار ۱۳۷۱ - شماره ۵۱ و ۵۲ (۲۲ صفحه از ۱ تا ۲۲)

۳) نگرشی به نظریه صرفه، نویسنده: قاضی زاده، کاظم؛، مجله: نامه مفید، پاییز ۱۳۷۴ - شماره ۳ (۴۸ صفحه - از ۳۹ تا ۸۶)

۴) دانش نامه دین: امشاسپندان تهیگی دای بوتسو سان جو ارهاص، صرفه، کرامت، معجزه، مترجم: جاودان، محمد؛ فرهودی، مصطفی؛ پشایی، ع؛، مجله: هفت آسمان، پاییز ۱۳۸۰ - شماره ۱۱ (۱۴ صفحه - از ۲۲۷ تا ۲۴۰)

۵) نظریه صرفه و دیدگاه سید مرتضی، نویسنده: دکتر مهرناز گلی - طیبه اکران

۶) بازتقریر «نظریه صرفه»ی سید مرتضی، نویسنده: دکتر جعفر نکونام، مجموعه مقالات کنگره سید مرتضی

۷) سید مرتضی و نقد «نظریه صرفه»، نویسنده: علی نصیری، مجموعه مقالات کنگره سید مرتضی

۹) کشف یک کتاب کلامی، نویسنده: حسن انصاری، ناشر: وبلاگ بزرگداشت هزاره شریف مرتضی

منابع:

١) قرآن کریم

٢) ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ٦ جلد، مكتب الاعلام الاسلامی - قم، چاپ: اول، ١٤٠٤ ه.ق.

٣) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، ٦ جلد، دار العلم للملایین - بیروت، چاپ: اول، ١٣٧٦ ه.ق.

٤) ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ١٥ جلد، دار صادر - بیروت، چاپ: سوم، ١٤١٤ ه.ق.

٥) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ١ جلد، دار القلم - بیروت، چاپ: اول، ١٤١٢ ه.ق.

٦) انصاریان، حسین، ترجمه قرآن (انصاریان)، ١ جلد، اسوه - ایران - قم، چاپ: ١، ١٣٨٣ ه.ش.

٧) ابوزهره، محمد، المعجزة الكبرى القرآن، ١ جلد، دار الفكر العربی - مصر - قاهره، چاپ: ١، ١٤١٨ ه.ق.

٨) العمری د احمد جمال، مفهوم الاعجاز القرآنی حتى القرن السادس الهجری، دار المعارف.

٩) معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ٦ جلد، حوزة علمیه قم، مرکز مدیریت - ایران - قم، چاپ: ٣، ١٤١٠ ه.ق.

١٠) شریف مرتضی، الموضح عن جهة إعجاز القرآن - مشهد، چاپ: اول، ١٣٨٢ ه.ش.

- (١١) سيد محمد حسن جواهرى، مقاله علمى - پژوهشى، مجله قبسات، سال هفدهم، زمستان ١٣٩١، شماره ٦٦.
- (١٢) طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، ١٠ جلد، دار إحياء التراث العربى - لبنان - بيروت، چاپ: ١.
- (١٣) سبحانى تبريزى، جعفر، مفاهيم القرآن، ١٠ جلد، مؤسسه الإمام الصادق (عليه السلام) - ايران - قم، چاپ: ٤، ١٤٢١ ه.ق.
- (١٤) طباطبايى، محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، ٢٠ جلد، مؤسسه الأعلمى للمطبوعات - لبنان - بيروت، چاپ: ٢، ١٣٩٠ ه.ق.
- (١٥) سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر، الإتيان فى علوم القرآن، ٢ جلد، دار الكتاب العربى - لبنان - بيروت، چاپ: ٢، ١٤٢١ ه.ق.
- (١٦) سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر، الدر المنثور فى التفسير بالماثور، ٦ جلد، كتابخانه عمومى حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى (ره) - ايران - قم، چاپ: ١، ١٤٠٤ ه.ق.
- (١٧) قمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، ٢ جلد، دار الكتاب - ايران - قم، چاپ: ٣، ١٣٦٣ ه.ش.
- (١٨) مجل قاضى عبدالجبار بن احمد، تنزيه القرآن عن المطاعن، ١ جلد، دار النهضة الحديثه - لبنان - بيروت، چاپ: ٢، ١٤٢٦ ه.ق.
- (١٩) مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار (ط - بيروت) - بيروت، چاپ: دوم، ١٤٠٣ ه.ق.
- (٢٠) قرطبى، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ٢٠ جلد، ناصر خسرو - ايران - تهران، چاپ: ١، ١٣٦٤ ه.ش.
- (٢١) سكاكى، يوسف بن ابى بكر، مفتاح العلوم، ١ جلد، دار الكتب العلميه - بيروت - لبنان، چاپ: ١.

(۲۲) فصلنامه نامه مفید، شماره ۳، قاضی زاده، کاظم

<http://www.shahab-news.com> (۲۳)

<https://hawzah.net> (۲۴)

<http://www.quranstudies.ir> (۲۵)

نرم افزار نور (۲۶)